



2018/12/30



استاد شاه محمود محمود / جغرافیه، بخش: منطقه

واخان سرزمین کنار گذاشته شده

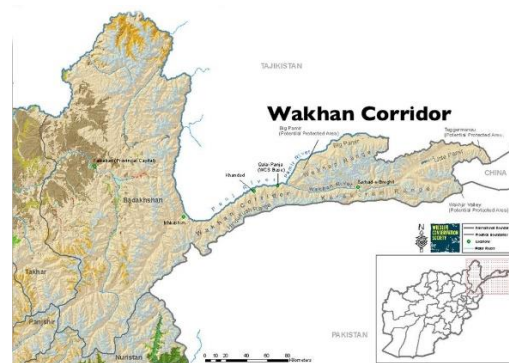
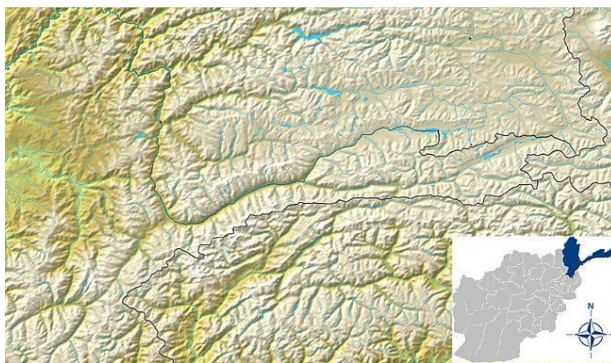
مقدمه:

دره بی واکان افغانستان محل دور افتاده، در شمال شرق افغانستان دارای کوه های قهوه ای و دره های ناهموار با دریا های بی اعتناء و رام ناشده و طغیان گونه است. سرزمین واکان کوههای پامیر، تیان شان، قراقرم و هندوکش را به هم اتصال میدهد. مردم این جا بسیار مهمان نواز و کاملاً دوست داشتنی هستند .

واخان به سه منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود: دالان واکان، پامیر کلان، پامیر خورد. درازای واکان در امتداد آمودریا (۱۰۸ کیلومتر) است و در امتداد آب واکان (از لنگرکیش تا گذرگاه وخبیر) به طول (۱۸۲ کیلومتر). در آثار و منابع افغانی این درازا را از ایشکاشیم تا سرحد بروغیل ۶۶ گروه (۲۲ فرسخ) تعیین کرده‌اند.

این دره طولانی در نتیجه رقابت دو کشور استعماری به اصطلاح بازی بزرگ بین انگلیس و روس ها ساخته شده است، و آنرا به حیث منطقه حایل؛ بخشی از افغانستان امروز قرار دادند .

خط کشی انگلیس به طور ناگهانی مردم و ساکنان این سرزمین را به سه کشور مختلف جدا کرد. همانطور که سرحد ها در قرن بیستم تشدید شده و خطوط ارتباطی فرو ریخت، هر کدام مسیر خود را طی کردند. در اوایل قرن بیستم، چوپانان قریزستان تلاش می کردند که از شیوه زندگی سنتی خود از مداخله روسیه فرار کنند و به بخش های غیرمنتظره ای به راهرو واکان گریختند و تا امروز نیز باقی مانده اند.



مثل هر چیز دیگری در این زمینه، بازدید از آنها یک تعهد است که نیاز به زمان، تلاش و پول دارد، اما کاملاً ارزشش را دارد که یکبار به واکان سفر نمود و مسیر های کوهستانی را با سواری به اصطلاح ما غرگاوها و پیاده بازدید نمود.

امروز با وجود آنهمه دوری و فاصله؛ جهانگردان و سیاحان برای دیدن مناظر جادویی واکان، پیاده گردی و برای دیدار از مردم محلی که راه زندگی قدیمی شان را هنوز حفظ کرده اند، به این جا می آیند. آنچه که دره واکان را نسبت به سایر ولسوالی های افغانستان متمایز میسازد، مشکل رفتن به اینجا است، راه های مدرن و اصلی سیاحتی وجود ندارد و زندگی در اینجا سخت تر و سنتی تر از مناطق هم سرحد آن است جا دارد که اظهار خوشی کنیم که به همان اندازه مردم این دره زیبا از موبایل و انترنت و تلویزیون فاصله دارند به همان اندازه از خشونت و جنگ و تعصب و تعرض و غضب اراضی دولتی به دور هستند.

پیش زمینه بی جغرافیایی تاریخی واکان:

دره واکان همیشه همانطور که امروز مسدود و یا مشکل است . در حدود دوهزار سال به این سو، مسیرهای کاروان ها و گردشگران به مقیاس کمتر وجود داشت. به خصوص در ایام تابستان؛ بدخشان را با چین و هند متصل می ساخت. مارکوپولو، بنتو د گویس، اورل اشتاین و سایر مسافران غربی از این مسیر استفاده کردند و به دو کشور متذکره رفتند.

مجموعه بزرگی از سنگ نوشته ها و نقوش روی صخره ها مبتنی بر این واقعیت است که واخان از دوره سنگ قدیم گذرگاه مهمی برای انسان ها بوده. این منطقه که در امتداد جاده ابریشم واقع بوده، محل تلاقی بین مناطق مهم تجارتي در غرب چین باستان و مدیترانه بوده و ۱۷۰۰ سال، از قرن چهارم ق م تا حمله مغول ها در قرن چهاردهم میلادی، تجارت در این منطقه رونق داشته است. کما اینکه منابع اولیه چینی از قرن هفتم میلادی نیز از اهمیت واخان در مناسبات تجارت در عصر دودمان تانگ خبر داده اند.

مؤلف حدود العالم در خلال سخن اندر کوهها از واخان یادآور شده می نویسد که: از میان واخان و ژاست شاخهای بسیار، برگرد و اندر حدود ختلان پراکند و آنجا معدنهای سیم و زرست ...» (۱)

در قرن دهم میلادی ساکنان این نواحی را بت پرستان تشکیل می دادند. گرچه ظاهراً از لحاظ سیاسی مطیع اسلام بوده اند. به گفته ابن خردادبه واخان ۲۰۰۰۰ درهم (طبق یک نسخه خطی دیگر: ۱۰۰۰۰ درهم) و شغنان - ۴۰۰۰۰ (طبق نسخه خطی دیگر: ۴۰۰۰) و کران ۴۰۰۰ درهم خراج می پرداختند. یعقوبی از «خمار بک سلطان شوغنان و بدخشان» یاد می کند. مارکوپولو ساکنان واخان را مسلمان می داند. در ناحیه واخان از وجود معادن طلا و نقره سخن رفته است. که در زمان ترسیم خطوط سرحدی؛ روس ها تلاش نمودند تا به این معادن دسترس داشته باشند اما در آخر مجبور شدند دریای پنج به حیث سرحد قبول شود. جاده ابریشم که به تبت یعنی به بخش علیای شط هند- که ساکنان آن از مردم تبت بودند- منتهی می شده از واخان و شغنان عبور می کرده. از آن ناحیه مشک وارد می کردند. مارکوپولو از همان نواحی گذشته به کاشغر رسید. ولی بر روی هم این سرزمین ها سخت گذر بوده و به درد زندگی صحرائشینی نمی خوردند و بدین سبب کمتر مورد تطاول مهاجمان بیگانه قرار گرفتند و تاکنون ساکنان آریائی آن مصون مانده اند. (۲)

در سفرنامه های مارکو پولو، تاجر و جهانگرد ونیزی، از سال ۱۲۷۱ میلادی، و میرزا محمد حیدر، که در سال ۱۵۴۵ میلادی از هند آمده و از این منطقه عبور کرده بود، و همچنین در سفرنامه بنتو د گویس (Bento de Góis) که در قرن هفدهم میلادی در طی سفرش از چین به هند از این منطقه گذر کرده بوده، از واخان یاد شده است.



تا سال ۱۸۸۳ م ، واخان ولایت هر دو طرف رودخانه پنج و پامیر را شامل میگردید ، که توسط یک حاکم میراثی (میر) با قدرت و نفوذ خود در (قلعه پنجه) حکمروایی می کرد. در دهه سالهای ۱۸۸۰ م ، تحت فشار انگلیس، امیر عبدالرحمن خان واخان را جزء قلمرو خویش درآورد.

توافقنامه های بین بریتانیا و روسیه در سال ۱۸۷۳ م به نام گرانویل - گورچاکوف و معاهده دیورند در سال ۱۸۹۳ م بین بریتانیا و افغانستان، واخان را به طور موثر، با ایجاد خط دو دریای پنج و پامیر، سرحد بین افغانستان و امپراتوری روسیه (اکنون تاجیکستان) تقسیم کرد. طرف جنوب واخان، مطابق موافقت نامه دیورند خط سرحدی بین افغانستان و هند بریتانیوی را نشان نمودند. این نوار باریک به عنوان یک منطقه حایل بین دو امپراتوری ایجاد گردید.

با رسیدن حکومت شوروی، سرحد در سراسر دریا پنجه سخت شد؛ مردم دیگر اجازه عبور از رودخانه را نداشتند تا از دوستان و اقوام خویش آن طرف مرز دیگر دیدن کرد. همچنان در سال ۱۹۴۹ م ، زمانی که مانو تسودونگ رهبر کمونیست چین سرحدات خویش را به طور دائم مسدود کرد؛ مسیر کاروان رو به یک دره و راهرو خطرناک در آمد . هزاران مسلمان چینی فرار نمودند و به کشور های همسایه فرار کردند. عده زیادی از آنها به افغانستان آمدند و ساکن شدند .

د پانو شمیره: له 2 تر5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

واخانی‌ها، که خود را وَخیک یا خیک می‌نامند، مردمی اریائی تبار و عمدتاً زارعین هستند که در دره های واخان زیست می‌کنند، و به زبان وَخِی (یا واخانی) سخن می‌گویند، و آن را خیکوَر می‌نامند. زبان وَخِی یکی از زبان‌های پامیری است. بیشتر مردان واخانی به زبان دری - فارسی نیز تکلم می‌کنند. واخانی‌ها مسلمان و به مذهب شیعه اسماعیلی معتقدند و ده یک و یا (عُشر) سرمایه و اموال خویش را به عنوان مالیات یا (تعهد مذهبی) در بمبی هند (ممبایی امروز) برای رهبر معنوی خویش آقاخان می‌فرستند. در حالیکه مردم قرقیز که زندگی کوچی نشینی دارند، مردمی تُرک زبان و سُنی‌مذهب هستند که در بین پامیر بزرگ و پامیر کوچک برای یافتن چراگاه برای مواشی شان کوچ می‌کنند. (۳)

مردم و چوپانان قرقیز یا قرغیزها در سال ۱۹۱۶ م، بنا بر هرج و مرج و فرار از خدمت عسکری تحت حاکمیت روسیه تزاری سرباز زده خود را به دره واخان رسانده و ماندگار شدند و به زندگی سنتی خویش ادامه دادند. اما بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش مانند مردمان دیگر ولایات، مردم واخان به خصوص قرغیزها به پاکستان مهاجر شدند تا جاییکه خواستار اسکان مجدد در ایالت آلاسکا شدند، اما درخواست آنها توسط ایالات متحده امریکا قبول نگردید. بعضی از قرقیزها در سال‌های بعد به دره واخان بازگشتند، در حالیکه برخی دیگر؛ هنوز در مهاجرت در پاکستان زندگی میکنند.

از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی، و استقلال قرقیزستان تلاش‌های ناموفق برای بازگشت مجدد قرقیزهای واخان در داخل قرقیزستان انجام داده شد. اما قرقیزها زندگی در واخان را ترجیح دادند و باقی ماندند. ادامه دارد



۲ - مبارزه پُرمشقت برای زندگی کردن

واخان شاخه اداری بدخشان بوده که توسط «میرها» اداره میشد. واخان در کل به چهار محل جداگانه تقسیم شده بود که هر کدام آن تحت اداره یک اقسقال قرار داشت یعنی سدی سرحد، سدی سپنج، سدی خاندوت [خندوت] و سدی اشتراغ.

از سال ۱۸۸۳ م به بعد واخان توسط « حکیم » افغان تحت اداره حکمران بدخشان اداره میگردید. اقسقال‌ها در حقیقت نایب سختگیر و مستقل واخان بوده است. واخان در سال ۱۸۸۳ م دارای نفوس حدود ۶۰۰۰ نفر در ۳۰۰ خانه زندگی داشتند. فامیل‌ها شامل ۱۲ تا ۵۰ نفر در یک قریه زندگی می‌نمودند. مثلاً در سدی سرحد ۱۲۲ خانه، سدی خاندوت ۸۷ خانه، سدی پنج یا سپنج ۶۵ خانه و سدی اشتراغ ۶۰ خانه.

این دره دور و دراز که به شکل کریدور یا انگشت شست افغانستان را تشکیل داده دارای هفت منزل میباشد. منزل اول - ورک : از اشکاشم تخمین ۲۷ کیلومتر مسافه دارد. عرض دره و اخل ۳ کیلومتر میباشد دریای امو از کنار آن گذشته هوای آن شدیداً سرد میباشد اراضی آن غله خیز است.

د پانو شمیره: له 3 تر5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

منزل دوم - اورگند : در این جا جو و گندم و باقلی نشو نما می کند و راه ها با فراز و نشیب همراه است و صعب العبور میباشد.

منزل سوم - خندود : این جا ریگستانی بوده و راه های آن نامطمین است.
منزل چهارم - قلعه پنجه : راه آن ریگزار است درختان سیاه کوهی دارد و یک جهیل کوچک آب نیز دارد که مرغ آبی و دیگر طیور در این جهیل وجود دارد.

خوراک مردم در قلعه پنجه : جو، گندم، مشنگ و باقلی است و مردم بی بضاعت دارد. نوعی درختی به نام طوس و بید معمولی در این جا زیاد است و در قسمت پنجه؛ دریای آمو در تنگنای عمیق معلوم میگردد و مثل یک جویبار به نظر میخورد.

منزل پنجم - بابا تنگی : بعد از طی مسافت ۴۲ کیلومتر بابا تنگی می آید. مردم این جا عموماً مالدار میباشد.

منزل ششم - ترس و شلک : در ۴ کیلومتری بابا تنگی واقع است.

منزل هفتم - سرحد: که آنرا سرد هم میگویند و از ترس ۱۲ کیلومتر دورتر واقع است. زمین آن وسعت دارد و زراعت آن اطمینان بخش است. به طرف شرق سرحد چند چمن شاداب و سرسبز و چراگاه حیوانات میباشد و بروغیل هم در همین جا موقعیت دارد و یک ماموریت گمرک دارد.
در این هفت دره در بیشتر از ۶۲ قصبه و قریه وجود داشت.

۳ - وضع اجتماعی مردم واخان

چند نفر به عنوان عایله در یک خانه زندگی می کنند و آنرا «بلخان» می گویند. روح آرامش و اتفاق مردم واخان سبب شده است تا برادر و پسران کاکا و ماما و عمه در یک خانه به سر برند. مردم واخان از پشم حیوانات جامه می بافند. از پوست گاو و آهو، چموس می سازند زن و مرد شان کار می کنند. زنهای واخانی عوض چادر، کلاه یا طاقین به سر می کنند و موهای شان بافتگی است و در پشت سر می اندازند. مرد و زن لباسی از کرباس می پوشیدند شب ها تمام اعضای خانواده زیر یک پلاس برهنه می خواباند اگر لحاف نیابند با لباس خود خواب می شوند. خوراک این مردم آش و باقلی است. چراغ تیلی و الیکین بسیار کم است و چوب را در روغن کنجد و غیره می مالند و می افروزند). ۴.

مردم به طور کلی بسیار خوش تیپ هستند. چهره آنها بسیار در معرض آفتاب و باد قرار داشته و به طور طبیعی یک نژاد جداگانه را تشکیل داده و اکثریت شان چشمان آبی دارند.

آنها دستمال گردن از پشم داشته با پوستی از پوست گوسفند نابالغ بدن خویش را می پوشانند. مردان شان دستار یا لنگی به سر می زنند اما تعداد بیشترشان کلاه مناسب به سر دارند. زنان طاقین از کرباس دوخته بر سر می نمایند و چموس در پا به کسب و پیشه دهقانی و هیزم کشی مصروف میباشند. همچنان زنان لباس های پشمالی بلند و سفید دارند و کسانی که می توانند آن را تهیه کنند، یک پارچه ای از پارچه های پنبه ای را روی سر قرار می دهند.

مرد و زن واخان لباس از کرباس دارند چکمن و برزو و پوستین هم می پوشند چنانچه پوست را دباغت داده پوستین و پوستینچه از آن ساخته، رنگ ناداده استعمال می کنند و اشخاص مستعد آن را رویه ای از کرباس رنگه یا چیت می دهند.

دستمالهای ساخته شده از ابریشم به نام لب ی آب (lab-i-ab) از کرم پبله که در ساحل اکسوس یا آمو پرورش می یابند به سر می کنند. قابل یادآوری است که این نوع کرتی یا بالاپوش و پطلون های تزئینی به عنوان هدیه برای فرماندهان در نظر گرفته شده است.

کوهنوردان پارچه های درشت تر استفاده مینمایند. داشتن گله های وحشی ثروت مردم را تشکیل می دهند در زمستان ها مردان و زنان از پوست گوسفند لباس آماده میکنند زنان پشم را پاک و می ریسند و به شکل سردوز در آورده و مردان از آنها شال می بافند. بعضاً از پشم واخان شال های پرهزینه کشمیرتهیه میشود). ۵.

محصولات اصلی در واخان عبارتند از نخود، لوبیا، ارزن و جو. گندم نیز افزایش یافته است، اما تنها به میزان بسیار محدود و تنها در زیر قلعه پنجه. در ماه ثور گندم بذر نموده و در ماه سنبله محصول برداشت میشود. خانه ها شبیه خانه های بدخشان میباشد، مگر اینکه به جای داش ها یا تنور، اجاق های بزرگ ساخت روسیه که گرما را به تمام خانه تقسیم میکند استفاده مینمایند.

ساکنان واخان به چهار قبیله تقسیم می شوند، یعنی خیبر - کیتار، بیگ - کیتار، حسن - کیتار و میریجی - کیتار. ثروت قبیله ها همان گله ها و رمه های بز و گاو و آهو است که در واقع، به لطف مراتع عالی واخان، ثروت اصلی مردم

د پانو شمیره: له 4 تر5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

در آن نهفته است. مقدار قابل توجهی از پشم صادر می شود. معامله گران از یارکند، پنبه و ابریشم را به دست می آورند. برنج، نمک و پارچه پنبه از بدخشان وارد می شود. کچالو خشک شده از وردیج به جای شکر استفاده می شود. هیچ بازار کار در واخان و هیچ رویکردی مشابه به یک شهر وجود ندارد. چلم و نصور اکثراً استفاده میشوند اما در طول چندین دهه زنان و مردان واخان به تریاک و غمزه کشی نیز عادت کرده اند.

در نزدیکی پاتور گفته شده است که معدن نقره وجود دارد. مردم به طور کلی به عنوان غله ها طبقه بندی می شوند، و گویش آنها وکی یا وخی شناخته می شود؛ اما به زبان فارسی - دری نیز به طور کلی صحبت می کنند. آب و هوا بدون شک بسیار شدید سرد است. نیمی از سال برف و باد آبی که به نام باد واخان (Bad-i Wakhan) شناخته می شود بیش از حد سرد و تند است.

۴ - قلعه پنجه

قلعه پنجه در ارتفاع ۹۱۵۰ فوت معادل ۲۷۸۹ متر بین خطوط ۳۷ درجه و صفر دقیقه عرض البلد شمالی و ۷۲ درجه و ۳۴ دقیقه طول البلد شرقی مرکز اداری واخان واقع در سمت چپ دریای پنجه، به فاصله کوتاهی از محل اتصال دو شاخه اصلی آن موقعیت دارد.

این قلعه حدود ۶۳ میلی شرق اشکاشم و ۵۱ میلی غرب سرحد قرار دارد. قلعه پنجه بر روی پنج تپه؛ از سنگ هایی با گلدسته سنگی اعمار گردیده بود. و شامل اقامت حکیم واخان و بیشتر پیروان آن بود. دره قلعه پنجه حدود دو میل عرض دارد و آبیاری بخش عمده ای زمین آنجا را متمرکز ساخته است. علوفه و هیزم فراوان است. رودخانه در امتداد سمت شمال دره جریان دارد و در ماه های ماه حمل و جوزا قابل استفاده است. آب و هوا آن شدیداً سرد است در وسط ماه ثور چمن ها رو به جوانه زدن مینماید و اراضی برای کشت و زرع آماده میگردد. نام پنجه از عدد پنج فارسی - دری گرفته شده است که معمولاً شاخه های دریای آمو پنجه دریاچه میباشد. (۶)

د پانو شمیره: له 5 تر5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ